کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مجموعه بیاضی

[illegible]

ربنا لا تؤاخذنا [illegible]

اللهم لا تنسني ما أقرأني [illegible]

سنقرئك فلا تنسى [illegible]

[illegible]

يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤوده [illegible]

[illegible]

[illegible]

... اللهم أنت السلام ومنك السلام واليك يرجع السلام اللهم صلّ على محمد وآل محمد وبلّغ روح محمد وآل محمد عني التحية والسلام ... اللهم إن هاتين الركعتين هدية مني الى رسول الله ... ثم تخرّ ساجدا وتقول يا حي يا قيوم يا حيًّا لا يموت يا حي لا إله إلا أنت يا ذا الجلال والإكرام يا أرحم الراحمين أربعين مرة ثم تضع خدك الأيمن على الأرض فتقول ذلك أربعين مرة ثم تضع خدك الأيسر فتقول ذلك أربعين مرة ثم ترفع رأسك ... وتقول ذلك أربعين مرة ثم ترده الى الأرض ... ذلك أربعين مرة ثم ... وتقول يا محمد يا رسول الله أشكو الى الله واليك حاجتي وأشكو الى أهل بيتك الراشدين حاجتي وبكم أتوجه الى الله في حاجتي ثم تسجد وتقول يا الله يا الله حتى ينقطع نفسك صلّ على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا قال أبو عبد الله أنا الضامن على الله عز وجل أن لا يبرح حتى تقضى حاجته

[illegible]

[illegible]

لا إله إلا الله عدد الليالي والدهور لا إله إلا الله عدد أمواج البحور لا إله إلا الله ورحمته خير مما يجمعون لا إله إلا الله عدد الشوك والشجر لا إله إلا الله عدد الشعر والوبر لا إله إلا الله عدد القطر والمطر لا إله إلا الله عدد لمح العيون لا إله إلا الله في الليل إذا عسعس والصبح إذا تنفس لا إله إلا الله عدد الرياح والبراري والصخور لا إله إلا الله عدد ... والجبال لا إله إلا الله من اليوم الى يوم ينفخ في الصور

[illegible]

بها مصباح المصباح [illegible]
کما یهدی الله لنوره من یشاء [illegible] فقد هدی الله
لنوره هذا فانظر ماذا تری [illegible]
[illegible] یا ابت
افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یریدون ان یطفئوا نور الله
بافواههم [illegible]
[illegible] والله متم نوره [illegible]
[illegible] فتبارک
الله احسن الخالقین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تلک آیات [illegible] للناظرین [illegible]
[illegible] سلام قولا من رب رحیم [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا [illegible]
[illegible]

[illegible]

کنی فی عظیم النفع [illegible]

[illegible] وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا [illegible]

[illegible] طبیعت خواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... السلطان ... [illegible]

[illegible]

... عشق ... مانده ام ...

[illegible]

چرا ... عشق ... سینه ...

[illegible]

که جان در عالم تن ...

[illegible]

عشق ... چشم ...

[illegible]

بس از ... این ... حال است ...

مرا ... حالت ...

غلبه کرده وقت آن است که گاه گاه رازی از ... بگویم ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جواب فرمود ... که آلم اقل

إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ... قَالَ ...

لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

[illegible]

ودر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ...

[illegible]

[illegible]

... مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ

وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ...

[illegible]

[illegible]

اگر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... این آیه تلاوت فرمود قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ

حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... این آیه تلاوت ... كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ

يُعَذِّبْكُمْ ... [illegible]

[illegible]

... عشق ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

العقل غطاء ساتر والفضل جمال ظاهر
فاستر خلل خلقك بفضلك وقاتل هواك
بعقلك تسلم لك المودة وتظهر لك المحبة

[illegible]

فهم مستقیم میشود

[illegible]

إني جاعل في الأرض خليفة

[illegible]

وعلم آدم الأسماء كلها

[illegible]

إن الإنسان
خلق هلوعا إذا مسه الخير منوعا وإذا
مسه الشر جزوعا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الکارما [illegible] وما أصابك
من حسنة فمن الله وما أصابك من سيئة
فمن نفسك [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فقد دخل الظلمة [illegible]
[illegible]
[illegible] کلمه الحمد لله [illegible] والله
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
لتسليم لرب العالمين [illegible]
[illegible]

هر یک [illegible] اند [illegible] کمال [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

انکه باران چکیدن از پهلوی سینه سپر [illegible] از [illegible]
بود [illegible] واین سخن می‌گفتم [illegible]
روزه [illegible] آینه [illegible] اگر [illegible] گشتی
شدم جمعی را دیدم در کمال [illegible] وابلاغ [illegible] بار و بهار
[illegible] در باب [illegible] کشیده [illegible]
[illegible] کامل [illegible] شده همه [illegible]
با لا براده و در پیش [illegible] بند [illegible] در کار
[illegible] نشسته [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] چیده [illegible]
[illegible] داشته [illegible]
[illegible] سران را [illegible]

[illegible]

[illegible]

فوج فوج مردم بیرون می‌آمدند [illegible] از ظلم
میدادند تا مجموع آن [illegible] خوردان [illegible]
[illegible] که با دیو بودند هر چند [illegible] از آن چهار [illegible]
[illegible] در میان گرفته [illegible] قدم در میان
[illegible] شدند [illegible]
[illegible] عجیب و [illegible]
عجب [illegible] از درون [illegible]
[illegible] بازی کردن و [illegible] مستان
و همچون زنگیان [illegible] بیرون می‌آمدند [illegible]
[illegible] در عالم آب [illegible]
پیوسته [illegible] شدند [illegible]
و [illegible] کرم [illegible]
شده در آن وقت [illegible]
[illegible] قوم [illegible] کشید

دلاویزولت

دلاویزولت

در شب [illegible] کشیده [illegible] غلام [illegible]
به [illegible] تمام و خوش [illegible] الکلام که چرا [illegible] این جماعت
[illegible] و این [illegible] دیدم [illegible]
از [illegible] کشیده [illegible] قوم [illegible]
در میان ایشان در آمدند فریاد [illegible] که از [illegible]
اعتراض [illegible] لازم [illegible] زنگیان از
[illegible] در [illegible]
و [illegible] دیدند [illegible]
[illegible] کشیده و [illegible] آتش داشت [illegible]
[illegible] شروع در رقص [illegible] دیدند [illegible]
میکردند [illegible] آتش گرفته

وسالکان کشتی [illegible] صلی الله علیه [illegible]

چمن [illegible] که [illegible] نظارگیان [illegible]

ودر حال [illegible] سکته [illegible] مضطرب

[illegible] فاعتبروا یا اُو

لوا الابصار [illegible] جوان [illegible]

وگفته الحمد لله الذی [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] جواب [illegible]

زن جوان [illegible] فاغرقوهم فی الیم

[illegible]

[illegible] که [illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] سوال [illegible]

[illegible] وچون [illegible]

[illegible] باغ نظر [illegible]

[illegible]

[illegible]

میخواندم و زند و جسته در ان چمن بسرو روان همسری [illegible]

[illegible] چشم نرگس [illegible] اطراف خود را [illegible]

[illegible]

[illegible]

عقده [illegible] چون [illegible]

[illegible] چون غنچه [illegible]

[illegible]

[illegible] غزل

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیشه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

واوش ساز و نوازد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

متعجب شده که این چه عالم خیالست که در نظر خود داشتم داده
میخوردم رنج راحت دل را چون ببطالت گذرانید که جوش گلک
و در عشق در بیابان جنون بمصرع نان دهد کام جان را شادمانی
بخشیدم که روز عشق اینست او را حکمت عجب و همچنین مرا بر ده
تا به حلقه و در این نظم و صاحب صبح قوت نفس فیض کردند و ان
که چه پرسید که چه ترتیب این جزیره افتاده که کدام سبب باین
جزیره رسیده عرض کردم که اطلاع ندارم تا بر احوال این جزیره
در علم خانه بر اطلاع خود میدانیم و در این کار بنده ام پس
اشاره فرمود این شخص را که داشته باشید که جا در این کار در این
وقت سرا و دست بسته در خدمت ایشان بیدند و همراه رفتیم تا
جا بر ایشان نگاشته باین ابیات میرسانند تا از در باغ منظور در آمده
در گلها و صحت دلگشا ببلبل باغ رسیدند فرق در دو
و از درون حوض در نظر داشتم که چه خواهش بنا کرده دیدم که
قرب چند صد نفر خوبرو از گلها آمده و در آن حوض را فرو داده اند

ودر

و قرب بیست نفر بزرگ آن روز تمام بر قع بسته و در اوج پس
... شده هیچ زاد و زاد بان گرفته با هم تمام و داخل شدند
و در این شادان جماعت که کاه با خواهش کردن ایشان را کفه شروع
در فریاد و در باغ بیدار باش کرده و مقدار این حال خوبست این چند روز
آمده و بیان را گفته که مجلس را خواهش نسبت بیرون از حوضه
بیرون آورده در باغ در دو آمده در باغ را حکم بر بستند هر این نگاه صبح طلوع
که چون در کوشه بیشه فضا که مشغول شدم تا آفتاب طلوع کرد
جا کاه و اواز سرور زمینه شده با نالهای گلی هر چار دیوار میغشد و مقام
نی در پیچه نوا و فغان سینه چون شهناز زنگله و آوازه چنگ
در اسیر کشش نیمه جنون خواندند و بر بطاش که در عقب بیهوش
واز عبرت دیکام و حوصله رسانده و دود کشیده در غم غم ورزیده و از داغ
خالق در عرصه بکشتن و جهان بیک وجه هر شه ایان را هیچ میسوده
و سپنده که باب نور خوبی ستیم در آن حالت بیش ازین ... هد

کشش که چه بخوبی از رخسار جان که گوش او چون ... شوخ و پیچ و تاب خون
برهم فغان که از شراب رخش بپیچ تیغ نورانی بیدم و اشعه آفتاب چهار ...
فضولات ما بسیار خون می خلید و تا ... سوز و گداز ناله و بیزار از کار
جسم ملک برهم کشیده حالت کلاه را افروخته ... این سوز و ساز
و استماع این همه آواز ها سر از گریبان غم بیرون کردم سری دایم نشسته
بودم که ناگاه جمعی از بوستان لاله عذار با قامت رعنا به آن
نرگس مستانه جام می در کف و آمده که دلها جان در کف
کمان ابروان در برابر و من چون سایه از عقب ایشان روان
بودم و چمن در وسط آن گلشن ادم نظر کردم عمارتی دیدم بسیار عالی بنا
بهشت آیین با در و فضای سینه بهزاد گونه نقش ... سته از شرف
و دو سه چند پروانه آن چون محبت و پیوسته عاشق چون
دست معماری ... آن بدون از واحد نظر و عیاری بالا در ... فرش
نقش بند بر روی آن مرا ... آن مکان نشسته و چشم بر آن

مجلس

مجلس ایکه بیان کردم دیدم تخت مرصع در وسط آن بارگاه وضع کرده
ملکه که بر آن از چشم عشق ... جمعی ... ان تخت ...
و شاهزاده نشسته که زهره سیمای ثانیست حلقه بکمرش کمان ابروان
بر گوش جان کشیده و شاه دلدار احسن و با زر بر سر ... ده
بهر خوبان او رسیده و در قرب بیست نفر کنیزک سیم اندام ماه رخسار
شور دوران بپیش روی ... دیگر های زرین بر پیمان و دست بسته
اورنگ ... دار لاله و در آغوش ... آن ... در نیاز ... ایشان
زرین ... پیرایه ... نیمه دو صد کنیزک دیگر با این لباس ...
شبیه ... مرصع بسته و جام ... و دیدن ... دیگر ... حیرت کرده منتظر
عطر ... دو صد کنیزک دیگر طبق های جواهر در کف و در انواع ...
و ظروفات و ... و ... دیگر ... از آن کنند ... کوش
... خواهش ... و صد کنیزک دیگر از همه جهت با لباس زنگ ...
... حسن کیش ساخته ... رقص مشغول بودند چون چشم آن
ملکه ... بر من افتاد اشاره کرد که در آید ... مرا بالا طلب

کمینه دخترانه کفه ... بار امر ... چنین بودن این ...
وصال ... ما ... شدم از ... چشمه ... بر سم
تواضع از ... برانگیخته ... بدین ... شکر ... سلام
کام ... شیرین که ... عرق شرم عرق دریای ... و ...
از ... شکل ... نفس ... از ... دهان ...
... از ... معارف الهی ... از ... نفس
و ... کام ... دریای عاشق ... کار ... آمدی
... آنکه ... ادب ... فرمودند که ...
کرامی ... که ... زبان خوانده ... اند ...
و ... ادبیت ... شده ... و ... چون
... دیدم حجاب ... گشودم ... نوازش ...
و عرض کردم که ... حسن ... ساقی ...
کرشمه ... قرآن ... شرع ... صلی الله علیه و آله
... حجاب ... مردان ... بیرون

... ستر و حجاب ... جناب خالق ... نعمت ... است
اکرام لله ... سبحان ... چون ... در خارج این بزم ...
... فرمودند که ... قرآن ... و ...
... این مسئله ... جواب ... بگویم آنگاه جواب ...
موقوف داشته ... کتاب ... آورده ...
... از ... در ... فرمودند ... مجلس ... دل ...
... کار ... که ... بسیار ...
سلطنت ... مراتب ... در رتبه فقر و دولت ... غنا ...
برابر ... علم الیقین ... که ...
... گذرانند ... تمام شد ... و ...
... که ... فرمودند که این مسئله ... جواب ...
... مجلس ... کرام ... تمام
... قدح ... صحبت ... قلقلات

نزد من گشودند دهانکه چون خزه زمردی و بان علامت تنقیه کرد کام
باشتی خورده بودم آنگاه پرسیدند که از چنین کیفیات یا چه رغبت میشود
عرض کردم مفرح سرور ... از نه چندان دماغ حوصله را گرم کرده
که بیداری کیفیت دیگر باشد پس فرمودند تا دوری نزد من داشته
... از آن بر داشته چون نیک ملاحظه نمودم کیف دار ...
دیدم ... چند خانه و هر خانه را دوری از نقره ...
بر روکنده بوده که فلان کیف آنگاه از معجون شیشه‌ئی بقدر یک
... گرفته خواستم که بخورم فرمودند که اول جواهرها را بشنوید
آنگاه معجون میل فرمائید و اشاره کردند که اهل طرب ساز را بهم
کردند پس دوری کتاب ... آورده امر کردند که آیه را ...
چون آیه برخواندم فرمودند که ... برای نامحرمان است
و درویشان محرمند و دیدم که در حال ... دل ...
با این ... را اشاره ... بلکه ... و تبسم ...
که ... کتاب ... باشد که ...

[illegible]

آن خیره که گر جوهرش ... | شد ... [illegible]
چون ... [illegible] | کشته ... [illegible]
بالای ... [illegible] | روح ... [illegible]
وانگه ... [illegible] | ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

هشتم

این کشته ... [illegible] | ... [illegible]
این ... [illegible] جانور ... | ... [illegible]
این ... [illegible] | ... ستاره ... [illegible]
این ... [illegible] | از موج خون ... [illegible]
این ... [illegible] | گر خون ... [illegible]
این ... [illegible] | هر گاه ... [illegible]
این ... [illegible] | شاه ... [illegible]
پس ... [illegible] | ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

هر ... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]
... [illegible] | ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
ماتمی محتشم [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك يا من اعظم رزيتنا على ابي الائمة
و سراج الامة سبط المصطفى و ابن
المرتضى شبل الزهراء اخ الحسن
المجتبى مهجة رسول الله و بهجة
البتول الذي قتلوه عطشان و ذريته
مولانا و مولى الخافقين ابي عبد الله
الحسين

بسم الله الرحمن الرحيم

و نقدسك يا من احل مصيبا بصاحب
المصيبة الراتبة و الدمعة الساكبة
المذبوح العطشان و المقطوع الوتين
غريب الغرباء و اسير الكرباء قتيل
الظماء و حبيبه غريق بالدماء الذبيح
العطشان و السليب العريان المعفر الجبين

[illegible]

بالها من مصيبة من بكت عليه السماء
بالدماء وذبح بسيف الجفاء من القفاء
المسلوب الرداء وسبي النساء المطرح
بارض كربلاء ومحروق الخباء الشهيد
العريان وصاحب الاخوان باكي
العينين ابي عبدالله الحسين عليه السلام
وذا هباء من ذريته من هو منحره
منحور وصدره مكسور وجبينه
على التراب عفره منثور ورأسه
على الرماح مشهور وشيبه بدمه
خضب وجثته على الارض قريب
وهو بكربلاء شهيد غريب نائي الوطن
بدني ابي عبدالله الحسين ٢

ونستدعي منك ان تصلي على نبيك
واله خصوصا على الشهيد الغريب
والسليب النهيب الذي دمه مغسله
وشيبته خضبه والتراب كافوره
ونيج الرماح نعشه وقلوب من
والاه قبره وعيدان الرماح اكفانه
المقتول يوم الاثنين ابي عبدالله
الحسين ٢
وتبتهل على ان تعذب الكفرة الفجرة
الذين صالوا على رسولك وعترته
وقتلوا اخاه ذرجيته وذبحوا سبطه
ودين كريمته طريدا عطشانا بغصته

وحرقوا ورحله خباءه وسلبوا
بناته ونساءه الذي هو قرة
العينين ابي عبدالله الحسين

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الشيخ [illegible]

والنواب ... [illegible] ... قال [illegible]

[illegible] ... قال [illegible] ... وقال [illegible]

[illegible] ... وقال [illegible]

[illegible]

[illegible] ... فقال [illegible]

[illegible]

[illegible] ... وقال [illegible]

[illegible]

وقال [illegible]

[illegible]

قال النبي عليه السلام الضيف إذا دخل بيت المؤمن دخل معه ألف بركة وألف رحمة [illegible]
ذنوب أهل ذلك البيت وإن كان ذنوبهم أكثر من زبد البحر وورق الأشجار [illegible]
ثواب ألف شهيد [illegible]
[illegible] قال عليه السلام [illegible] في [illegible]
[illegible] حديث [illegible]
[illegible]
[illegible] في [illegible] والكلب [illegible]
[illegible] في [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] قال عليه السلام العالم أفضل من العابد [illegible]
العالم أفضل من [illegible] قال عليه السلام [illegible]
[illegible] العرش [illegible]
[illegible] قال [illegible] العلم [illegible] البحر [illegible]
[illegible] فضل العالم على العابد
كفضل القمر ليلة البدر على سائر الكواكب قال رسول الله عليه السلام أنا مدينة العلم وعلي
بابها [illegible]
[illegible]
[illegible] العلم
أفضل من المال [illegible] العلم أفضل من المال [illegible]
قال عليه السلام العلم ورث الأنبياء والمال ميراث فرعون [illegible]

[illegible]

نبي وكاتب ذنوبه لا يعمل أحد [illegible] ثواب [illegible] شهيد
وإن الله خلق [illegible] ألف [illegible]
[illegible] ألف ألف [illegible]
قال عليه السلام العلم [illegible] والمال [illegible] والعلم [illegible]
[illegible] قال عليه السلام [illegible] في [illegible]
[illegible] قال عليه السلام من طلب العلم
[illegible] إن الله خلق الملائكة وركب فيهم العقل بلا
شهوة وخلق البهائم وركب فيها الشهوة وخلق آدم وركب فيه العقل والشهوة
فمن غلب عقله شهوته فهو أعلى من الملائكة ومن غلب شهوته عقله فهو أدنى
من البهائم قال رسول الله عليه السلام [illegible]
[illegible] قال رسول الله عليه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] قال رسول الله عليه السلام [illegible]
[illegible] قال رسول الله عليه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] قال [illegible]
[illegible] العلم [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible] قال [illegible]
[illegible] قال [illegible]
قال أبو عبد الله [illegible] كان له ثواب ألف شهيد

[illegible]

حديث [illegible]

قال الحسن بن علي عليهما السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... آل المصطفی ...

... صلوات الله ...

[illegible]

قال الصادق [illegible] عليه السلام قال [illegible]
قال [illegible] فقد
[illegible]
[illegible] قال [illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

دعاء [illegible] فيه اكثر [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إنا نسألك من النعمة تمامها ومن العصمة دوامها
ومن الرحمة شمولها ومن العافية حصولها ومن العيش أرغده
ومن العمر أسعده ومن الإحسان أتمه ومن الإنعام أعمه
ومن الفضل أعذبه ومن اللطف أنفعه اللهم كن لنا ولا
تكن علينا اللهم اختم بالسعادة آجالنا وحقق
بالزيادة آمالنا واقرن بالعافية غدونا وآصالنا
واجعل إلى رحمتك مصيرنا ومآلنا واصبب سجال
عفوك من بحار رحمتك على ذنوبنا ومن علينا بإصلاح
عيوبنا اللهم اجعل التقوى زادنا وفي دينك
اجتهادنا وعليك توكلنا واعتمادنا ثبتنا على نهج
الاستقامة وأعذنا من موجبات الندامة يوم
القيامة اللهم خفف عنا ثقل الأوزار وارزقنا
عيشة الأبرار واكفنا واصرف عنا شر الأشرار
وأعتق رقابنا ورقاب آبائنا وأمهاتنا وإخواننا
وأخواتنا ومشايخنا من النار برحمتك يا عزيز
يا غفار يا كريم يا ستار يا حليم يا جبار وصلى
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين الأخيار

و بار اندوه ایشان [illegible] تَوَفَّوْا عِطاشًا

بالفُراتِ فَلَيْتَنِي تُوُفِّيتُ فيهم قَبْلَ حِينِ وَفاتي

[illegible]

[illegible]

وَقَبْرٌ بِطُوسٍ يا لَها مِنْ مُصِيبَةٍ أَلَحَّتْ عَلَى الأَحْشاءِ بِالزَّفَراتِ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بَناتُ زِيادٍ فِي القُصُورِ مَصُونَةٌ وَآلُ

رَسُولِ اللهِ مُنْتَهِكاتٌ [illegible]

[illegible]

وَآلُ زِيادٍ فِي الحُصُونِ مَنِيعَةٌ وَآلُ رَسُولِ اللهِ

فِي الفَلَواتِ وآل زیاد در خانه‌ها [illegible]

وآل رسول [illegible] دِيارُ رَسُولِ اللهِ

أَصْبَحْنَ بَلْقَعًا وَآلُ زِيادٍ تَسْكُنُ الحُجُراتِ [illegible]

[illegible]

[illegible] وَآلُ رَسُولِ اللهِ تُحْفٌ جُسُومُهُمْ وَآلُ زِيادٍ

غلظ

غِلاظُ القَصَراتِ [illegible]

وآل زیاد [illegible] وَآلُ رَسُولِ اللهِ

تُدْمَى نُحُورُهُمْ وَآلُ زِيادٍ رَبَّةُ الحَجَلاتِ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] أَخِي هَلْ تَعَلَّلَكَ [illegible]

لَقَدْ أَخَذَ الزَّمانُ بِكُمْ حِمائِي یعنی ای برادر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

أَخِي وَدِّعْ يَتامَى قَدْ أُمِينُوا وَقَدْ أَضْحَوْا بِأَسْرٍ لا

عَيانًا یعنی ای برادر [illegible]

[illegible]

[illegible] أَخِي أَضْحَتْ دَهْرُنا لَطْفُ سَلْوَا

عَلَيْكَ الدَّهْرُ مَشْفُوقُ الزَّدانِي یعنی ای برادر [illegible]

[illegible] البيان والترجيح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

أَفاطِمُ لَوْ خِلْتِ الحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَقَدْ ماتَ عَطْشانًا بِشَطِّ فُراتِ

[illegible]

[illegible] إِذًا لَلَطَمْتِ الخَدَّ فاطِمُ عِنْدَهُ

وَأَجْرَيْتِ دَمْعَ العَيْنِ فِي الوَجَناتِ [illegible]

[illegible]

أَفاطِمُ قُومِي يا ابْنَةَ الخَيْرِ وَانْدُبِي نُجُومَ سَماواتٍ بِأَرْضِ فَلاةِ

[illegible]

[illegible] قُبُورٌ بِكُوفانٍ وَأُخْرَى بِطَيْبَةٍ وَأُخْرَى بِفَخٍّ

نالَها صَلَواتِي [illegible]

[illegible] قُبُورٌ بِبَطْنِ النَّهْرِ

مِنْ جَنْبِ كَرْبَلا مُعَرَّسُهُمْ فِيها بِشَطِّ فُراتِ

[illegible]

بجا رسیده و در زمین کربلا مانده با عضای پاره پاره و بار دیگر

در بیان قالب خبر اخی یعز علی ابینا ان یرانا یا اخی

الطف اساری کالاماء یعنی ای برادر شهید من که ما

قسم بسیار گران و دشوار است بر پدر ما و بر جد ما که در زمین

کربلا ما اسیران که با اهل جفا بشیم و زین العابدین حقیر بشد

تراه یبکوا بقید وهو فی ضربا لبلاء بن یعنی

ای برادر فرزند زین العابدین را می بینیم در بند و در میان بلا و قید

گرانه بند در زنجیر و حال آنکه گرفتار بلای سخت است

اخی هذا سکینة من خباها تجر یا منحان بلا وا

یعنی ای برادر بزرگوار من این دختر تو سکینه است که از خیمه بیرون

بیرون میکشند و با سر برهنه و بدون دست یا رو زنست اخی والله

یعز علی البتول بان ترانا ونحن نزج حولک

بالبکائی ای برادر با جان برابر بعد از جسم مطهرت

کردم ای جان خواهر که قسم بسیار گران و دشوار است بر جناب

فاطمه زهرا که این نوع ملاحظه فرماید و بر در جسد ما گرفتار

بشیم و بر دور حلقه ماتم زده بنشیم و در ماتم تو اشک بریزیم

روان بشیم

روان بشیم با این شقیان جفا پیشه و اکنون خبار و ناز مستی میشود

ان است و در بیان حال سکینه که تو تو شده بود مثل تکه جسد حسین بیشه

پس از آن شقاوت پیشه در زیر پای اسب سمد فعام کردند و در تیغ دو نیمکه

چنانچه برای آب و خیمه و کوزه ماند و که خود جاری گشته ای برادر نگه که

سکینه دختر امام حسین بیگانه و در دست یک پدر شهید گردید و ما را از تشنگان

شهید ان روزه که در روز عاشورا در کربلا رسید و نظر با تشنگان خدا حوا

از تشنگان آن زمان و من دیدم در خون دیدم سر جسد حسین و در هوش آمد

چون بهوش آمدم که سینه و دل سکینه آن خیمه خون بود و دل آسمان

کباب شود شیعتی ما ان شربتم ماء عذب فاذکرونی

او سمعتم بغریب او شهید فاندبونی ای شیعیان و دوستان

آب خوشگوار بنوشید مرا یاد کنید و هنگامی که غریبی یا شهید شدید

بر غریبی و شهیدی من گریه کنید وانا السبط الذی من غیر جرم

قتلونی وبجرد الخیل بعد القتل عمدا اسحقونی

یعنی بی جرم و بی تقصیر مرا کشتند و بعد از کشتن بدن مرا

عمدا در زیر سم اسبان پایمال کردند لیتکم فی یوم

عاشوراء جمیعا تنظرونی کیف استسقی لطفلی

فابوا ان یرحمونی کاش شیعیان در روز عاشورا در کربلا

مر بعد رسیده بعد خیمه و نزدیک طفل شیر خوار خود

با صغر طفل تشنه ام و آب نداشتند جسم بی جان او بر زمین

دیگر و سقوه سهم بغی عوض الماء المعین یا

لزرع و مصاب مذم اذکان الجحو بی و در عوض

آب تیر ستم بر آن طفل زدند ای دوستان من بر حال ایشان

که خواب کرد و ارکان که آن را ویلهم قد جرحوا قلب رسول

الثقلین فالعنوهم ما استطعتم شیعتی فی کل حین

وای بر ایشان که دل سید انبیا را مجروح کردند پس

ای شیعیان باید هر وقت که نشسته برقاتلان لعنت کنید

جناب زینب در وقت تحمل بدن برادر گرفتن شمر ملعون که بود

دعنا نودعه ونجلس عنده یا شمر قبل ان

تفرق وتشاده یعنی ای شمر بگذار تا بر برادرم بنشینم و دوری

که پیش از آنکه سرش را جدا کنند دعنا نغمضه یا شمر نمسح

شیبته یعنی ای شمر بگذار چشمهای برادرم را ببندم و کرده

مبارکش را بکشم دعنا نرش الماء فوق جبینه یا

فلعله یصحوا عن الاغماء یعنی بگذار تا قدری آب بر صورت

برادرم بپاشم که به هوش باید و حرف بزند ای رسید دعنا

نظلل جسمه یا شمر حر الحر ولهفة الرمضاء

ای شمر بگذار از سایه جسم برادرم را آب بپاشم تا از حرارت آفتاب

دعنا

دعنا نودالی الخیام وبابه یا شمر بالسجاد والزلزله

یعنی ای شمر بگذار تا برادرم را با خیمه ببرم و طفل با را با ستاب اهل بیت او

لیتنی اصبحت عمیا ولا اری جبینک والوجه

الجمیل مرملا یعنی ای برادر کاش زینب کور میشد و جبین

و صورت گلگون تو را خونین نمیدید جناب زینب دور کار شکایت

علی المقتول فی المحراب ظلما ام الممنوع ابکی یا خلیلی

ای برادران در محراب ای گریه کنم که بر سر بریده در کوه اندر میان

ام المذبوح کرها من قفاه ام الجسم المبضع بالنصول

آیا گریه کنم بر برادر حسین که سر مبارک او را از قفا جدا کردند

بدنه که بر گرد برادر حسین شیعیان یا شهیدان و گریه بر تیر و نیزه

ام الشیب المخضب من دماه ام الصدر المرضض بالخیول

آیا گریه کنم بر ریش خون آلوده برادرم حسین که از خون خضاب شده

یا گریه کنم بر سینه خورد شده برادرم پس جواب ایها المؤمنون

الصالحون والمحبون الباکون ابکوا وتباکوا علی الشهید

ابن الشهید واب الشهید واخ الشهید قتیل العبرة

وشهید الکربة الذی بکت علیه الحجر والمدر وناحت

علیه الطیور علی الشجر وانکسفت لمصیبته الشمس

والقمر وتزلزلت امواج البحر وانعام البر

وحزن طويل إلى أن يجلى أبدا حتى يقوم بأمر الله قائم

[illegible]

مالنا القوم بدينا آدم كربا من بعد ما بدم لوتهم

فلنجاردو المصطفى [illegible]

[illegible] وخربه [illegible]

لانكان تنزل [illegible]

ولا [illegible] الناعي [illegible]

فمتى [illegible] الأفعال [illegible]

كرت على [illegible]

[illegible] الأوبات والندا

[illegible]

أبكيا عيني في [illegible] اليوم الجزا النبي بكى عليه

المصطفى المرتضى يا أحباء الحسين أكرموه

للنبي جدّه خير الورى والمشتهر النساء

الذي غسل له من دمع عين الباكية الذي

شرب له من ماء سيف الأشقياء ليس تابوت

له الأسنان الظالمين ليس كافور له الأتراب

[illegible] الكربلا

[illegible]

[illegible]

سبط النبي والأطهار [illegible]

الكرار مولانا إمام [illegible]

صنوا الزكي [illegible] البتول

أقوموا فيه من نعاسه

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible] أقبل

ولا تخف إنك

من الآمنين لا تخف

نجوت من القوم

الظالمين لا تخف

إنك أنت الأعلى

لا تخافا إنني معكما

أسمع وأرى لا تخاف

دركا ولا تخشى الذي

أطعمهم من جوع وآمنهم

من خوف فسيكفيكهم

الله وهو السميع

العليم فالله خير

حافظا وهو أرحم الراحمين

ادخلوا عليهم الباب

فإذا دخلتموه فإنكم

غالبون وعلى الله فتوكلوا

إن كنتم مؤمنين

[illegible]

لله مجد سما أفلاك رفعته ماء العلى عند ما مادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نهى على [illegible]

[illegible]

أقم يوم [illegible]

ثم أنجلى وبه قتلى [illegible]

[illegible]

نهى على [illegible]

على الكتاب [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم فاجعل
شرائف صلواتك واعليها وجوامع بركاتك واسنيها ودوام رحمتك واشرفها واكملها
لنبيك ورسولك وارحم واجمل مخلوقاتك واعظمها واسل عبادك وادناها على نورك
المطلق وسعيك بالحق صاحب مقام المحمود واللواء المعقود والحوض المورود
من سرة البطحاء الى قبة الخضراء الذي جعلته محبوبا وجعلت ملك عليه
وبلغت اول الانبياء وجعلته اخرهم وعدته والحقتهم ...
والسراي ... والتاريخ الذي لاجله خلقت الافلاك
وادرت الافلاك وبنيت السماء وبسطت الارض على الماء وخصصته بعلم ...
وادعت علم ما كان وما يكون واحببته بالرسالكوت ...
فضلته على جميع ملائكتك ... دان ... وكان
كعاب قوسين او ادنى ... الى ما اوحيت ... الى ...
... من الفطرة على السلالة الذي ... اعلام الهداية ...
... التعطيل والتشبيه والتلبيس والتمويه
واشرقت شموس التوحيد ... المحمود بين الموجود ...
السجود وامح المجد والمستولى على الافهام القاسم محمد وعلى اهل بيته
المكونين ... الكواكب العلوية المشرقة من شمس ... في سماء
العظمة المحمدية والاسرار الالهية المودعة في الهياكل البشرية والاغصان
النبوية النابتة في الدوحة الاحمدية ... الزكية العمادية ...
... العامل ... بالعلم والقائمين في القول
والكاظمين للغيظ والراسخين ... اهل الجود والنقى وابواب العلم
والهدى ... الذي جعلت ...
... ومحلك والسنتهم ...
... العقول الكاملة واصحاب ... علما
... والراسخين فيه وأهل الذكر
الذين ... الى ... والى الامر الذين ... طاعتهم ...

صعدوا ... بأعلام النبوة والولاية ... اعلام الغيوب
بالهداية ... والعلماء والحكماء ... على الاعداء والاولياء
... الكلم ... الاصطفاء ...
... الوفاء ... القدس ... ان ... الباكوة
الذي ... صفات ... نوع الانسان ...
والقرآن ... الوثقى ... على اهل الدنيا ...
والتنزيل ومعادن جواهر العلم والتأويل ...
مفاتيح الحكم ومصابيح الظلام الذين لولاهم لما خرج الوجود من العدم ...
الكلمات ... والاشارات الحقيقية ... الالهية والاسرار ...
خصوصا علي بن محمد واخيه وصاحب سره وابن عمه مفتاح ...
... علومه ...
... واسطة قلادة الفتوة ...
المروة ... الامامة والنبوة ... الرسالة والنبوة ...
السيادة ... السيادة ... الامامة ...
صاحب الخلافة والولاية ... الذي جعلته ...
من ... العلماء ...
... الحقيقة ...
... الذي ...
... المخلصين ...
... الاول والاخر ...
... الاحد ... الجود ...
امير المؤمنين ... امير المؤمنين ...
... المرتضى ...
... الخاضع ...

[illegible]

[illegible]

والبحر الهمام وعلى الثقلين كاشف الكرب كان الله لسانه في ليلة المعراج صاحب بدر وحنين
علي بن أبي طالب وعلى قرة عين الرسول المرفوعة القدر المجهولة القبر سيدة
نساء العالمين الجبلة العلية المعصومة المظلومة سيدة الثقلين وزوجة
أمير المؤمنين ووالدة السبطين السيدين الإمامين النقيين الإنسية الحوراء الكاملة
الغراء فاطمة الزهراء وعلى الشريف بالأنوار الإلهية والحاوي للمثالات
الغراء السابقة شمس سماء الإمامة والوصاية ونور حدقة الولاية ونور حديقة
الهداية موضع سر الرسول وحاوي كليات الأصول كهف الغادين وروح
الأسرار ملجأ النفوس القدسية ومغوث الأقطاب الإنسية مجمع البحرين وضياء
الخافقين مرآة العالم الأعلى ولو لم تصدق إنه حق فالله شهيد والا الله لا إله إلا
ورحمانه لسان رسول الله الحق المشرف بالعرش وترى وولاؤه نور وجه
حسن وشمس النور اللامع من شجرة الإمامة أبي محمد الحسن وعلى شمس سماء الشهادة
وعدل ولاية السعادة حادي مبارك الأرض والسماء والموسوم المشهور بالرضا
مصباح العقول وموصل الأصول أحمدي المنهج الوجودي جامع الحقائق
ملخص البرهان وعين العيان نور الله وسر الأئمة والمتحقق بالكمال الأتم وذكي
المقربين ومنبع الطيبين وقدوة أهل الجرس ونور المشرقين ودرة الحجب
المتقين والنجم ابن القمرين والخارج من خط الإمام أبي عبد الله الحسين
وعلى صفوة العابدين وكعبة الراكعين وقدوة الساجدين وقطب دائرة الموحدين
والنور مهجة حجاب العالمين ودرج حصن الإمامة وشمس فلك النبوة
خازن كنوز الغيوب وواقف رموز العلم والمحجوب أبا الفتح عالم الإرادة
والسر الإلهي في سر العبادة والحجة الشارق في الحاوي والنور المنبعث
القاهر مطلع نور الإيمان وكاشف أسرار العرفان ودعا الأوتاد وذي الثفنات
أدم أهل البيت والمنزه عن كل ريب لؤلؤ مرج البحرين والدرة المكنون
للوجود إنسان العين أبي محمد السجاد علي بن الحسين وعلى الحق الزاخر النجم
الزاهر والبدر الباهر والنور الساطع مصباح الظلمات وكاشف المشكلات
قرة الأخيار وسيد الأبرار سر الله في الوجود وإنسان عين الشهود وحقيقة
الحقائق الظهورية ودقيقة الرقائق النورية الفلك الجاري في لجج
الغامرة والمحيط علما بالمنثور والغائرة مضمون كتاب الإبداع وعلى

ثم المشرع باقر العلوم ومنبع الحلم والمعلوم باطن الوجود ونقطة الوجود
ومرجع خازن الحقائق والدقائق ومعادن الدقائق والسرائر أبي جعفر محمد بن علي
الباقر وعلى الكون الجامع والنور اللامع والشهاب الساطع سند الوجود
ومرجع المفاتح ومنبع الشهود ومنبع الصدق والجبل الشامخ بين الأزل
والأبد ما قد جرى المعارف والعلوم ومحيط الخلق ونهاية العموم باب الله
المفتوح وكتابه المشروح عالم الأسماء ودليل طرف الراسخين في العرفان
من ناطق والكاشف لأسراره ومعدن تحقيق الحقائق ومفتاح المغالق
وصاحب ضبط الدقائق ذي النور الشارق والجبين البارق أبي عبد الله
جعفر بن محمد الصادق وعلى المصطفين وسادة معارج اليقين جمال الحكمة
والعوالم والخاص من العلوم والعالم بشجرة الطور والرق المنشور كليم أيمن
الإمامة ومعنا الشرف والكرامة كلي بدر أسرار العرفاء ومحيط بحور
الإصفياء طور على الألوهية ونار شجرة الناسوتية مصباح الأرواح
وجلاء ظلمة الأشباح صاحب الحبل البيضاء في غرة السادات ودامع
طور القربة في مناقب العبادات مركز الأئمة العلوية ومحور الفلك
المصطفوية النور الأنور والأملح الأزهر درج العصمة والنور الطالع
صورة السر أبي الحسن الكاظم موسى بن جعفر وعلى قطب دائرة الحسنيين
والحسين وقرة أعيان العالمين وقوة قلوب العارفين السلسلة الإلهية
للأسماء كما هي مظهر الآيات البينات والواصل إلى شمس درج المقامات
الحجة القاطعة الرباني ومحقق الحقائق الإمكاني النور اللاهوتي والعالم
الناسوتي بحر المكارم والنامي ومنار علوم الظاهر والباطن قرآن الحق
الأحدية ودوران الفصلات الواحدية الكبريتي والكتاب اللاريبي
نور السموات العلى ومصباح ظلم الدجى صاحب ملك الله البيضاء
أبي الحسن الثاني علي بن موسى الرضا وعلى مظهر أعيان الكاف والنون
ومادب معلم الأسرار والشؤون قطب الأقطاب والأوتاد ودعائم
أسرار المبدأ والمعاد ومرجع أرباب الإفاضة والإرشاد وغاية الوجود